Journal of
Comparative Criminal Jurisprudence
www.jccj.ir

Volume 5, Issue 5, 2026

A Comparative Analysis of Legal and Institutional Mechanisms for Protecting Political Party Freedom in the Legal Systems of Iran and Iraq

Karrar Qasim Kadhim Al-Aboudi [1], Alireza Ansari Mahyari [2*], Faramarz Atrian [3]

1. *PhD student, Department of law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.*
2. *Assistant Professor, Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding Author)*
3. *Assistant Professor, Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.*

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:Original Research
Pages: 323-332

Corresponding Author's Info
ORCID: *0000-0003-2646-317X*
TELL: *+989125050281*
Email: *alirezaansari50@iau.ac.ir*

Article history:
Received: *20 May 2025*
Revised: *10 Jun 2025*
Accepted: *09 Jul 2025*
Published online: *20 Feb 2026*

Keywords:
Freedom of Political Parties, Political Parties, Legal Mechanisms, Oversight Institutions, Iranian Legal System, Iraqi Legal System, Political Participation.

ABSTRACT

Freedom of political parties to operate is a fundamental component of democratic systems and a prerequisite for citizens' political participation in public decision-making processes. Safeguarding this freedom requires effective legal mechanisms and the establishment of independent and efficient oversight institutions. Adopting a comparative approach, this study examines the legal and institutional frameworks for protecting the freedom of political parties in the legal systems of Iran and Iraq, seeking to identify the similarities and differences between the two systems in guaranteeing and implementing this freedom. The findings indicate that, in Iran, despite the recognition of freedom of association in Article 26 of the Constitution, legal restrictions, ideological considerations, and security requirements affect the practical exercise of this freedom. In Iraq, by contrast, the 2005 Constitution and the 2015 Political Parties Law have developed the legal framework governing party activities and their oversight. Nevertheless, challenges such as the predominance of ethnic and sectarian considerations, administrative corruption, and the influence of political groups on institutional mechanisms continue to affect the effective realization of party freedom. A comparative analysis of the two systems reveals that the protection of political party freedom in Iran is more significantly constrained by legal and ideological restrictions, whereas in Iraq, despite the existence of relatively developed legal and institutional frameworks, political and administrative obstacles continue to challenge the full realization of this freedom. Accordingly, this study emphasizes the need to revise restrictive regulations, strengthen the independence and effectiveness of oversight institutions, ensure the impartial enforcement of laws, and promote political culture and tolerance as measures to enhance the freedom of political parties to operate in both legal systems.

This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Al-Aboudi, K; Ansari Mahyari, A & Atrian, F (2026). "A Comparative Analysis of Legal and Institutional Mechanisms for Protecting Political Party Freedom in the Legal Systems of Iran and Iraq". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(5): 323-332.

فصلنامه فقه جزای تطبیقی
www.jccj.ir

دوره پنجم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۴

تحلیل تطبیقی سازوکارهای قانونی و نهادی حمایت از آزادی سیاسی احزاب در نظام‌های حقوقی ایران و عراق

کرار قاسم کاظم العبودی [۱]، علیرضا انصاری مهیاری [۲*]، فرامرز عطریان [۳]

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
۲. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات: ۳۳۲-۳۲۳

اطلاعات نویسنده مسؤول
کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۲۶۴۶-۳۱۷X
تلفن: ۹۸۹۱۲۵۰۵۰۲۸۱+
ایمیل: alirezaansari50@iau.ac.ir

سابقه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:
آزادی فعالیت سیاسی احزاب، احزاب سیاسی، سازوکارهای قانونی، نهادهای نظارتی، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی عراق، م شارکت سیاسی.

چکیده

آزادی فعالیت سیاسی احزاب از مؤلفه‌های بنیادین نظام‌های دموکراتیک و از پیش‌شرط‌های اساسی تحقق مشارکت سیاسی شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری عمومی به شمار می‌رود. تضمین این آزادی مستلزم پیش‌بینی سازوکارهای قانونی مؤثر و استقرار نهادهای نظارتی مستقل و کارآمد است. پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی، چارچوب‌های قانونی و نهادی حمایت از آزادی فعالیت سیاسی احزاب را در نظام‌های حقوقی ایران و عراق بررسی می‌کند و در پی تبیین وجوه اشتراک و افتراق این دو نظام در زمینه تضمین و اعمال این آزادی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در ایران، با وجود شناسایی آزادی احزاب در اصل ۲۶ قانون اساسی، محدودیت‌های قانونی، ملاحظات ایدئولوژیک و الزامات امنیتی، دامنه اعمال عملی این آزادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در مقابل، در عراق، قانون اساسی سال ۲۰۰۵ و قانون احزاب سیاسی سال ۲۰۱۵، چارچوب حقوقی فعالیت احزاب و نظارت بر آن‌ها را توسعه داده‌اند؛ بااین‌حال، چالش‌هایی همچون غلبه ملاحظات قومی و فرقه‌ای، فساد اداری و نفوذ جریان‌های سیاسی بر سازوکارهای نهادی، همچنان بر تحقق مؤثر آزادی حزبی تأثیرگذارند. تحلیل تطبیقی دو نظام نشان می‌دهد که حمایت از آزادی احزاب در ایران بیشتر با محدودیت‌های قانونی و ایدئولوژیک مواجه است، درحالی‌که در عراق، علی‌رغم وجود چارچوب‌های قانونی و نهادی نسبتا توسعه‌یافته، موانع سیاسی و اجرایی همچنان تحقق کامل این آزادی را با چالش روبه‌رو می‌سازند. بر این اساس، پژوهش حاضر بر ضرورت بازنگری در مقررات محدودکننده، تقویت استقلال و کارآمدی نهادهای نظارتی، تضمین اجرای بی‌طرفانه قوانین و ارتقای فرهنگ سیاسی و مدارا به‌عنوان راهکارهایی برای تقویت آزادی فعالیت سیاسی احزاب در هر دو نظام حقوقی تأکید می‌کند.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

آزادی احزاب سیاسی یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی و مردم‌سالاری است و نقش اساسی در تضمین گردش نخبگان، کنترل قدرت و تداوم مشروعیت نظام سیاسی دارد (Dahl, 1989). احزاب به‌عنوان واسطه‌های نهادی میان جامعه مدنی و حکومت، امکان انتقال مطالبات عمومی و پاسخگویی دولت به شهروندان را فراهم می‌کنند (Duverger, 1972) بنابراین حمایت قانونی و نهادی از فعالیت آزادانه احزاب، از الزامات بنیادی حاکمیت قانون و حقوق عمومی است .در ایران، اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آزادی تشکیل احزاب و جمعیت‌ها را به رسمیت شناخته است، اما این آزادی مشروط به عدم اخلال به مبانی اسلام و اصول جمهوری اسلامی شده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸: اصل ۲۶). این محدودیت ایدئولوژیک در عمل موجب بروز کنترل‌های گسترده بر فعالیت احزاب شده است (روشنی، ۱۳۹۷؛ مظهری و قاسم‌آبادی، ۱۳۹۹). در عراق، قانون اساسی ۲۰۰۵ و قانون احزاب سیاسی ۲۰۱۵ آزادی تأسیس و فعالیت احزاب را تضمین کرده‌اند، ولی ضعف نهادی، فرقه‌گرایی سیاسی و نفوذ نیروهای غیردولتی از موانع اصلی تحقق واقعی این آزادی محسوب می‌شوند (الکروی، ۲۰۱۶؛ محمدحسین، ۲۰۱۴). پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی به بررسی سازوکارهای قانونی و نهادی حمایت از آزادی احزاب در ایران و عراق می‌پردازد و نقاط قوت و ضعف هر نظام را تحلیل می‌کند. پرسش محوری تحقیق این است که چگونه ساختارهای حقوقی و نهادی در دو کشور، بر دامنه و کیفیت آزادی احزاب تأثیر می‌گذارند و چه اصلاحاتی می‌تواند به ارتقای کارآمدی این سازوکارها بینجامد.

۱- مبانی نظری و روش تحقیق

از منظر نظری، حمایت از آزادی احزاب در چارچوب نظریه‌های دموکراسی مشارکتی، حقوق اساسی و تفکیک قوا قابل تحلیل است. احزاب سیاسی به‌عنوان نهاد واسط میان جامعه مدنی و دولت عمل می‌کنند و نقش انتقال مطالبات شهروندان، نظارت بر عملکرد حکومت و تضمین پاسخگویی سیاسی را بر عهده دارند (Duverger, 1972; Dahl, 1989). در سطح بین‌المللی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) در ماده ۲۲ حق تشکیل و فعالیت آزادانه انجمن‌ها و احزاب را به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر شناسایی کرده است (ICCPR, 1966). بنابراین هر نظام حقوقی متعهد است با وضع قوانین حمایتی، ایجاد سازوکارهای اجرایی و تأسیس نهادهای قضایی مستقل، این حق را تضمین نماید. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. داده‌ها از مطالعه قوانین اساسی، قوانین احزاب، مقررات اجرایی و رویه‌های قضایی ایران و عراق استخراج شده و با استفاده از روش تحلیل تطبیقی، نقاط قوت و ضعف هر نظام بررسی شده‌اند.

۲- سازوکارهای قانونی حمایت از آزادی احزاب

۲-۱- در حقوق ایران

در جمهوری اسلامی ایران، آزادی احزاب سیاسی به‌عنوان یکی از ارکان بنیادی مشارکت سیاسی و شاخص توسعه دموکراسی در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتا به آزادی تشکیل احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی اشاره دارد و بیان می‌کند که «تشکیل احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و نظایر آن آزاد است، مشروط بر آنکه مبانی اسلام و اصول جمهوری اسلامی ایران زیر پا گذاشته نشود» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸: اصل ۲۶). این اصل، به‌رغم اینکه آزادی تشکیل احزاب را به رسمیت می‌شناسد، به‌طور هم‌زمان یک شرط ایدئولوژیک نیز برای فعالیت حزبی قائل شده است. به عبارت دیگر، آزادی احزاب در ایران از نوع آزادی مقید است و این محدودیت ایدئولوژیک، عملا امکان کنترل گسترده فعالیت‌های حزبی را برای نهادهای نظارتی فراهم کرده است (روشنی، ۱۳۹۷؛ مظهری و قاسم‌آبادی، ۱۳۹۹). علاوه بر اصل ۲۶، اصول دیگری از قانون اساسی مانند اصل ۲۳ و ۲۴ نیز به آزادی بیان و آزادی اجتماعات اشاره دارند که زمینه قانونی فعالیت‌های سیاسی و حزبی را فراهم می‌کنند، اما این آزادی‌ها نیز مشروط به رعایت موازین اسلامی و قانون هستند. به این ترتیب، چارچوب قانون اساسی ایران، در عین تأیید رسمی حق تشکیل احزاب، محدودیت‌های مشخصی برای فعالیت آزادانه آنان تعیین کرده و استقلال عملی احزاب را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

علاوه بر قانون اساسی، قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۵ و اصلاحیه سال ۱۴۰۲، مهم‌ترین چارچوب قانونی برای فعالیت احزاب در ایران محسوب می‌شود. این قانون، سازوکارهای عملی برای ثبت، صدور مجوز، نظارت، تأمین مالی و انحلال احزاب را مشخص کرده است. طبق این قانون، احزاب برای فعالیت رسمی و قانونی، ملزم به دریافت مجوز از وزارت کشور هستند و هرگونه فعالیت خارج از این مجوز، غیرقانونی محسوب می‌شود. همچنین، کمیسیون ماده ۱۰ احزاب به‌عنوان مرجع اصلی نظارت بر فعالیت‌های حزبی تعیین شده است و وظیفه دارد صلاحیت احزاب را بررسی کرده و در صورت تخلف، مجوز فعالیت آن‌ها را تعلیق یا لغو نماید (عباسی و شفقی، ۱۴۰۲). این کمیسیون به ریاست نماینده وزارت کشور تشکیل می‌شود و ترکیب آن عمدتا دولتی است، بنابراین استقلال آن محدود است و تصمیمات آن می‌تواند تحت تأثیر ملاحظات سیاسی یا امنیتی قرار گیرد. قانون مذکور همچنین بر شفافیت مالی احزاب تأکید دارد و احزاب ملزم هستند گزارش‌های مالی خود را به مراجع نظارتی ارائه دهند و منابع مالی خود را مطابق قوانین رسمی تأمین کنند. این الزام، اگرچه به‌عنوان یک ابزار شفافیت و کنترل تلقی می‌شود، در عمل می‌تواند محدودیت‌هایی برای احزاب مستقل ایجاد کند و فعالیت آنان را تحت نظارت شدید قرار دهد. علاوه بر این، قانون، محدودیت‌های فعالیت حزبی را در چارچوب اصول اسلامی، امنیت ملی و نظم عمومی تعیین کرده و هرگونه فعالیتی که مغایر با این چارچوب‌ها تشخیص داده شود، غیرمجاز خواهد بود.

نقش نهادهای نظارتی در چارچوب قانونی ایران، ترکیبی از حمایت و کنترل است. وزارت کشور مرجع رسمی ثبت و صدور مجوز احزاب است و مسئول بررسی مدارک اولیه، تطبیق اساسنامه احزاب با قوانین و موازین اسلامی و صدور مجوز فعالیت است. کمیسیون ماده ۱۰ احزاب نیز مسئول بررسی صلاحیت احزاب و نظارت بر عملکرد آنان است و اختیار دارد در صورت نقض قوانین، فعالیت حزبی را تعلیق یا لغو کند. ترکیب سیاسی این کمیسیون و وابستگی آن به دولت، استقلال آن را محدود کرده و امکان دخالت مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت احزاب، به‌ویژه احزاب منتقد یا مستقل را فراهم می‌سازد (صنعتی‌مقدم، ۱۴۰۱؛ کریمی‌فیض و کمالی‌مشهود، ۱۴۰۰). علاوه بر این، شورای نگهبان از طریق نظارت استصوابی بر انتخابات، می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم بر فعالیت احزاب تأثیر بگذارد و نقش آن در محدود کردن رقابت حزبی، به‌ویژه احزاب غیرهمسو با حکومت، غیرقابل چشم‌پوشی است. به‌طورکلی، سازوکارهای قانونی حمایت از آزادی احزاب در ایران شامل قانون اساسی، قوانین اختصاصی احزاب و نهادهای نظارتی دولتی می‌شوند که هر یک به نوعی زمینه فعالیت حزبی را تنظیم می‌کنند، اما هم‌زمان محدودیت‌هایی برای فعالیت مستقل و آزادانه احزاب ایجاد می‌کنند. در عمل، احزاب در ایران، حتی اگر به‌صورت قانونی ثبت شوند، معمولا در چارچوب تعریف‌شده و با رعایت ملاحظات ایدئولوژیک و امنیتی فعالیت می‌کنند و امکان رقابت آزاد و گسترده سیاسی برای بسیاری از آن‌ها محدود است (روشنی، ۱۳۹۷؛ عباسی و شفقی، ۱۴۰۲؛ مظهری و قاسم‌آبادی، ۱۳۹۹).

۲-۲- در حقوق عراق

در عراق، حمایت از آزادی احزاب سیاسی پس از سقوط رژیم سابق و تصویب قانون اساسی جدید در سال ۲۰۰۵، به شکل جدی در چارچوب قانونی مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۳۶ قانون اساسی عراق صراحتا اعلام می‌کند که «شهروندان حق دارند آزادانه حزب، انجمن و سازمان‌های سیاسی تشکیل دهند و به آن‌ها بپیوندند، مشروط بر آن‌که مغایر با قانون نباشد» (Constitution of Iraq, 2005). این اصل آزادی احزاب را به‌عنوان یک حق بنیادین به رسمیت شناخته و محدودیت‌ها را عمدتا در چارچوب نظم عمومی، امنیت ملی و قانون قرار داده است، بدون آن‌که شرط ایدئولوژیک مشابه ایران بر آن تحمیل شده باشد (الجده، ۲۰۰۲؛ الکروی، ۲۰۱۶). بنابراین، از منظر قانونی، آزادی احزاب در عراق دارای ماهیت مشروط نهادینه‌شده است، به این معنا که محدودیت‌ها مشخص و قابل پیش‌بینی هستند و با رعایت آن‌ها، احزاب می‌توانند فعالیت قانونی و آزادانه داشته باشند. برای پیاده‌سازی عملی این اصل، قانون احزاب سیاسی شماره ۳۶ مصوب سال ۲۰۱۵ تصویب شد که جزئیات دقیق ثبت، فعالیت و نظارت بر احزاب را مشخص می‌کند. این قانون چند محور اساسی دارد: نخست، تشکیل احزاب بر اساس شهروندی و بدون تبعیض قومی،

مذهبی یا جنسیتی الزامی است و احزاب نمی‌توانند بر اساس هویت قومی یا مذهبی خاص ایجاد شوند (حنظل شریف، ۲۰۱۰). دوم، الزام به شفافیت مالی و گزارش‌دهی به کمیسیون عالی انتخابات که هدف آن تضمین شفافیت و جلوگیری از فساد و سوءاستفاده مالی احزاب است. سوم، مراحل ثبت و تأیید احزاب به‌صورت قانونی مشخص شده و شامل بررسی اساسنامه، اهداف و ترکیب اعضا است. در صورت تخلف از قوانین، نهادهای نظارتی می‌توانند اقدامات قانونی لازم را انجام دهند، از جمله تعلیق فعالیت یا انحلال حزب (ناهی، ۲۰۰۳).

یکی از ویژگی‌های مهم نظام حقوقی عراق در حمایت از آزادی احزاب، وجود نهادهای نظارتی مستقل است. کمیسیون عالی مستقل انتخابات، به‌عنوان مرجع اصلی ثبت و نظارت بر فعالیت احزاب، اختیارات وسیعی دارد و از نظر قانونی مستقل از قوه مجریه محسوب می‌شود. این کمیسیون وظیفه دارد تمامی فعالیت‌های انتخاباتی و حزبی را کنترل کند، گزارش‌های مالی احزاب را بررسی نماید و تضمین کند که احزاب طبق قانون فعالیت می‌کنند (محمدحسین، ۲۰۱۴). علاوه بر کمیسیون انتخابات، دادگاه فدرال عالی عراق نیز صلاحیت رسیدگی به شکایات احزاب و نظارت بر انطباق فعالیت‌ها با قانون اساسی و قوانین مربوط به احزاب را دارد. وجود این نهاد قضایی مستقل، امکان حل‌وفصل منازعات حزبی و تضمین اجرای قانون را فراهم می‌آورد و از تداخل قدرت قوه مجریه با فعالیت حزبی جلوگیری می‌کند. با این حال، باید توجه داشت که چارچوب قانونی عراق، با وجود حمایت روشن از آزادی احزاب، با چالش‌های عملی مواجه است. مهم‌ترین چالش‌ها شامل نفوذ گروه‌های سیاسی و فشارهای قومی–مذهبی، فساد اداری و ضعف نهادی برخی نهادهای نظارتی است. این عوامل می‌توانند اجرای کامل آزادی احزاب را محدود کنند و در عمل، برخی احزاب مستقل یا نوظهور را با موانع اداری و سیاسی مواجه سازند (الکروی، ۲۰۱۶؛ محمدحسین، ۲۰۱۴). با این وجود، در مقایسه با ایران، چارچوب قانونی عراق شفاف‌تر و کم‌چالش‌تر است، زیرا محدودیت‌ها مشخص، نهادهای نظارتی مستقل و موانع ایدئولوژیک کمتر وجود دارد. به‌طورکلی، سازوکار قانونی حمایت از آزادی احزاب در عراق شامل قانون اساسی، قانون احزاب سیاسی ۲۰۱۵ و نهادهای نظارتی مستقل است که هم آزادی فعالیت حزبی را تضمین می‌کنند و هم با نظارت مؤثر و شفاف، امکان کنترل قانونی و جلوگیری از تخلفات احتمالی را فراهم می‌آورند. این ساختار به احزاب اجازه می‌دهد تا با رعایت اصول قانونی، فعالیت سیاسی مستقل داشته باشند و در نظام سیاسی مشارکت کنند، بدون آن‌که محدودیت‌های ایدئولوژیک مشابه ایران بر فعالیت آنان تحمیل شود. با وجود این، چالش‌های سیاسی، قومیتی و اجرایی همچنان مانع از تحقق کامل آزادی احزاب در عمل می‌شوند، اما چارچوب قانونی به گونه‌ای است که پتانسیل تحقق فعالیت حزبی آزاد و مؤثر را فراهم کرده است (حنظل شریف، ۲۰۱۰؛ ناهی، ۲۰۰۳).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در عراق، سازوکار قانونی حمایت از آزادی احزاب شفاف، مشخص و مبتنی بر اصول دموکراتیک است و آزادی حزبی در قالب نهادهای قانونی و نهادهای نظارتی مستقل قابل تحقق است. برخلاف ایران، محدودیت‌ها عمدتا حقوقی و امنیتی هستند و شرط ایدئولوژیک بر فعالیت حزبی تحمیل نمی‌شود. این وضعیت موجب شده است که احزاب عراق، حتی در شرایط چالش‌زا، امکان فعالیت رسمی و مشارکت در فرآیندهای سیاسی را داشته باشند و چارچوب قانونی پایه‌ای برای توسعه نظام حزبی چندگانه فراهم آورد.

۳- سازوکارهای نهادی و نظارتی

۳-۱- در حقوق ایران

۳-۱-۱- وزارت کشور

در جمهوری اسلامی ایران، سازوکارهای نهادی و نظارتی احزاب سیاسی نقش اساسی در تعیین دامنه آزادی حزبی و کیفیت فعالیت‌های سیاسی دارند. نخستین و مهم‌ترین نهاد اجرایی در این حوزه، وزارت کشور است. وزارت کشور مرجع رسمی ثبت و صدور مجوز برای احزاب و گروه‌های سیاسی محسوب می‌شود و مسئولیت بررسی مدارک اولیه، اساسنامه و اهداف احزاب را بر عهده دارد. این وزارتخانه موظف است اطمینان حاصل کند که فعالیت‌های حزبی با قوانین جمهوری اسلامی و اصول اساسی مذهب رسمی کشور همخوانی دارد. علاوه بر صدور مجوز اولیه، وزارت کشور نقش نظارتی مداوم

بر فعالیت احزاب ایفا می‌کند و در صورت مشاهده تخلف یا مغایرت فعالیت‌ها با قوانین و مقررات، گزارش‌های خود را به کمیسیون‌های بالادستی یا سایر مراجع قانونی ارائه می‌دهد. این فرآیند، اگرچه به ظاهر حمایتی و سازماندهی‌کننده فعالیت حزبی است، اما به دلیل وابستگی وزارت کشور به دولت و قوه مجریه، محدودیت‌هایی برای استقلال عملی احزاب ایجاد می‌کند و به‌ویژه برای احزاب منتقد یا مستقل می‌تواند مانع قانونی ایجاد نماید (صنعتی‌مقدم، ۱۴۰۱).

۳-۱-۲- کمیسیون ماده ۱۰ احزاب

نهاد دوم و مهم در نظارت بر فعالیت‌های حزبی، کمیسیون ماده ۱۰ احزاب است. این کمیسیون به‌طور ویژه برای اجرای قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی ایجاد شده است و وظیفه اصلی آن بررسی صلاحیت احزاب، تأیید یا تعلیق فعالیت آن‌ها و نظارت بر رعایت الزامات قانونی است. ترکیب کمیسیون عمدتا دولتی و تحت ریاست نماینده وزارت کشور است، بنابراین استقلال کامل این نهاد محدود بوده و تصمیمات آن می‌تواند تحت تأثیر ملاحظات سیاسی، امنیتی و ایدئولوژیک قرار گیرد. کمیسیون ماده ۱۰ صلاحیت دارد در صورت نقض قوانین، انحراف از اصول تعریف شده در اساسنامه یا مغایرت فعالیت‌ها با موازین اسلامی، مجوز فعالیت احزاب را تعلیق یا لغو کند. این ساختار نظارتی، علی‌رغم اینکه به‌صورت قانونی به‌عنوان حمایت و کنترل فعالیت حزبی طراحی شده است، عملا نقش بازدارنده قوی دارد و احزاب مستقل یا منتقد را با محدودیت‌های اداری و قانونی مواجه می‌سازد. علاوه بر این، الزامات مالی و گزارش‌دهی که کمیسیون بر آن‌ها نظارت دارد، هرچند به‌عنوان ابزار شفافیت و جلوگیری از فساد طراحی شده‌اند، در عمل می‌توانند محدودیت‌های عملی برای فعالیت آزادانه و مستقل احزاب ایجاد کنند و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و تأثیرگذاری واقعی بر سیاست را کاهش دهند (مظهری و قاسم‌آبادی، ۱۳۹۹؛ عباسی و شفقی، ۱۴۰۲).

۳-۱-۳- شورای نگهبان و نظارت استصوابی

علاوه بر وزارت کشور و کمیسیون ماده ۱۰، شورای نگهبان به‌عنوان نهادی با اختیارات نظارتی و قانونی ویژه، نقش غیرمستقیم اما تعیین‌کننده‌ای بر فعالیت حزبی دارد. شورای نگهبان از طریق نظارت استصوابی بر انتخابات، می‌تواند بر رقابت حزبی و شکل‌گیری صحنه سیاسی تأثیر بگذارد. این شورا صلاحیت بررسی انطباق نامزدها و احزاب با اصول قانون اساسی و موازین اسلامی را دارد و در صورت تشخیص مغایرت، می‌تواند مانع از حضور آنان در فرآیندهای انتخاباتی شود. به این ترتیب، شورای نگهبان به‌عنوان نهاد ایدئولوژیک و نظارتی، آزادی عملی احزاب را محدود می‌کند و به‌ویژه احزاب منتقد یا مستقل را تحت فشار قرار می‌دهد. نقش این شورا نشان می‌دهد که در ایران، سازوکارهای نهادی و نظارتی احزاب نه تنها جنبه قانونی و اداری دارند، بلکه از طریق کنترل غیرمستقیم بر انتخابات و رقابت سیاسی، امکان شکل‌گیری یک فعالیت حزبی مستقل و آزاد را محدود می‌کنند (کریمی‌فیض و کمالی‌مشهود، ۱۴۰۰).

بنابراین، ساختار نهادی و نظارتی احزاب در ایران ترکیبی از حمایت قانونی، سازمان‌دهی اجرایی و کنترل ایدئولوژیک-سیاسی است. وزارت کشور، کمیسیون ماده ۱۰ و شورای نگهبان هر یک به نوبه خود بر فعالیت احزاب نظارت دارند و با وجود تأمین برخی حقوق قانونی برای فعالیت حزبی، محدودیت‌های عملی، اداری و امنیتی قابل‌توجهی اعمال می‌کنند. این ترکیب نهادی باعث شده است که احزاب رسمی و قانونی در چارچوب تعریف‌شده فعالیت کنند، اما استقلال واقعی، رقابت آزاد و نقش مؤثر در تصمیم‌گیری سیاسی محدود باشد. در واقع، نهادهای نظارتی ایران به گونه‌ای عمل می‌کنند که هم از فعالیت قانونی احزاب حمایت کنند و هم آن‌ها را کنترل نمایند، به‌طوری‌که آزادی حزبی در عمل مقید، کنترل‌شده و محدود به چارچوب‌های ایدئولوژیک و امنیتی است و تحقق آزادی حزبی مطلق تقریبا غیرممکن است.

۳-۲- در حقوق عراق

۳-۲-۱- کمیسیون عالی مستقل انتخابات

در عراق، کمیسیون عالی مستقل انتخابات یکی از مهم‌ترین نهادهای نظارتی و اجرایی در زمینه فعالیت احزاب سیاسی محسوب می‌شود و به‌طور قانونی از قوه مجریه مستقل است. این کمیسیون وظیفه دارد تمامی مراحل ثبت، تأیید و نظارت بر عملکرد احزاب را بر اساس قانون احزاب سیاسی شماره ۳۶

سال ۲۰۱۵ انجام دهد. کمیسیون عالی مستقل انتخابات، ضمانت می‌کند که احزاب طبق قوانین عمل کنند و با موانع اداری غیرقانونی مواجه نشوند. این نهاد علاوه بر نظارت بر مراحل ثبت، بر شفافیت مالی احزاب نیز نظارت می‌کند و مکلف است گزارش‌های مالی احزاب را بررسی کرده و از سوءاستفاده یا دریافت منابع غیرقانونی جلوگیری نماید. همچنین، کمیسیون تضمین می‌کند که احزاب بر اساس شهروندی، بدون تبعیض مذهبی، قومی یا جنسیتی تشکیل شوند و در فعالیت‌های خود با چارچوب قانون اساسی و قوانین ملی مغایرت نداشته باشند (محمدحسین، ۲۰۱۴). این ساختار نهادی، امکان فعالیت آزادانه و قانونی احزاب را فراهم می‌کند و به احزاب اجازه می‌دهد تا در رقابت سیاسی مشارکت کنند. به‌طور خاص، استقلال قانونی کمیسیون باعث می‌شود که احزاب در برابر فشارهای مستقیم دولتی یا دخالت‌های سیاسی تا حد زیادی محافظت شوند و فضای فعالیت حزبی شفاف و قابل پیش‌بینی شود. با این وجود، عملکرد کمیسیون به کیفیت منابع انسانی، توان اجرایی و میزان رعایت اصول قانونی توسط سایر نهادهای دولتی نیز وابسته است.

۳-۲-۲- دادگاه فدرال عالی عراق

دادگاه فدرال عالی عراق به‌عنوان مرجع قضایی مستقل، نقش حیاتی در حمایت از آزادی احزاب و نظارت بر اجرای قوانین مرتبط با احزاب دارد. این دادگاه صلاحیت دارد شکایات احزاب را در خصوص تصمیمات کمیسیون عالی انتخابات یا دیگر مراجع اداری بررسی کند و در صورت تخلف یا تضییع حقوق، تصمیمات لازم را صادر نماید. دادگاه فدرال عالی علاوه بر رسیدگی به تخلفات حقوقی، نقشی بازدارنده و تضمین‌کننده عدالت نیز دارد؛ زیرا احزاب می‌توانند از طریق آن، نقض حقوق قانونی خود را پیگیری کرده و نسبت به تصمیمات نهادهای اجرایی اعتراض کنند (حنظل شریف، ۲۰۱۰). وجود دادگاه فدرال، امکان حل‌وفصل منازعات حزبی به‌صورت عادلانه و مستقل را فراهم می‌آورد و مانع از اعمال فشارهای سیاسی یا دخالت‌های غیردولتی در عملکرد احزاب می‌شود. این دادگاه همچنین تضمین می‌کند که احزاب، حتی در شرایط رقابت شدید سیاسی یا تنش‌های اجتماعی، بتوانند حقوق قانونی خود را پیگیری کنند و از نفوذ غیرقانونی یا ناعادلانه نهادهای اجرایی یا سیاسی مصون بمانند. به این ترتیب، دادگاه فدرال عالی، نقش مکملی برای کمیسیون عالی انتخابات ایفا می‌کند و یک چارچوب نظارت قضایی و قانونی مستقل ایجاد می‌کند که پایه‌ای برای تحقق آزادی حزبی در عراق به شمار می‌رود.

۳-۲-۳- نهادهای اداری و نظارتی تکمیلی

علاوه بر کمیسیون عالی انتخابات و دادگاه فدرال، نهادهای اداری تکمیلی مانند وزارت کشور و نهادهای محلی نقش مهمی در ثبت و ساماندهی فعالیت‌های حزبی دارند. وزارت کشور مسئول ثبت احزاب در سطح ملی و استانی است و بررسی می‌کند که اساسنامه، اهداف و ترکیب اعضای احزاب با قانون و مقررات مطابقت داشته باشد. وظایف این نهاد محدود به ثبت و تطبیق اداری است و در عمل دخالتی سیاسی یا ایدئولوژیک در فعالیت احزاب ندارد. علاوه بر این، الزامات شفافیت مالی و گزارش‌دهی که توسط نهادهای نظارتی تکمیلی دنبال می‌شود، ابزار مهمی برای جلوگیری از فساد و سوءاستفاده مالی احزاب به شمار می‌رود. این ترکیب نهادهای اجرایی، قضایی و مالی، چارچوبی متوازن و قانون‌محور ایجاد می‌کند که هم فعالیت آزادانه احزاب را ممکن می‌سازد و هم از سوءاستفاده و تخلف جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، ساختار نهادی عراق از چند سطح نظارت مستقل تشکیل شده که باعث می‌شود آزادی حزبی در عمل شفاف و مبتنی بر قانون باشد و موانع اداری یا سیاسی غیرقانونی تا حد امکان کاهش یابد (الکروی، ۲۰۱۶؛ ناهی، ۲۰۰۳).

۳-۲-۴- چالش‌ها و محدودیت‌های عملی نهادهای نظارتی

با وجود چارچوب قانونی و نهادی قدرتمند، احزاب در عراق با چالش‌های عملی مواجه هستند. مهم‌ترین این چالش‌ها شامل فشارهای قومی و مذهبی، نفوذ گروه‌های سیاسی در نهادهای محلی و ملی، ضعف اجرایی برخی نهادها و مشکلات منابع انسانی است. این عوامل می‌توانند بر عملکرد کمیسیون عالی انتخابات و دادگاه فدرال تأثیر بگذارند و به محدودیت فعالیت عملی احزاب منجر شوند. همچنین، پراکندگی سیاسی و رقابت شدید میان گروه‌های مختلف می‌تواند هماهنگی و تحقق اهداف قانونی نهادهای نظارتی را دشوار کند.

با این حال، چارچوب نهادی عراق نسبت به بسیاری از کشورهای منطقه شفاف‌تر و قانون‌محور است و با وجود این چالش‌ها، پتانسیل تحقق فعالیت حزبی مستقل و قانونی را فراهم کرده است. در مجموع، نهادهای نظارتی عراق با ترکیب استقلال قانونی، نظارت قضایی و الزامات شفافیت مالی، شرایطی فراهم می‌کنند که احزاب بتوانند به شکل نسبی بدون فشار مستقیم دولتی فعالیت کنند و در ساختار سیاسی کشور مشارکت داشته باشند (محمدحسین، ۲۰۱۴؛ حنظل شریف، ۲۰۱۰).

۳-۲-۵- تحلیل تطبیقی

آزادی سیاسی احزاب، یکی از شاخص‌های بنیادین توسعه سیاسی و دموکراسی در هر نظام حقوقی است. این آزادی به شهروندان امکان می‌دهد تا از طریق احزاب و گروه‌های سیاسی، در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی مشارکت کنند و نظارت مردمی بر عملکرد دولت‌ها اعمال شود. با این حال، تحقق عملی این آزادی وابسته به ساختارهای قانونی و نهادی است که دامنه و کیفیت فعالیت احزاب را تعیین می‌کند. در این بخش، سازوکارهای قانونی و نهادی ایران و عراق مورد تحلیل تطبیقی قرار گرفته‌اند تا نقاط قوت، ضعف و تفاوت‌های اساسی آن‌ها مشخص شود.

در ایران، چارچوب قانونی احزاب مبتنی بر اصل ۲۶ قانون اساسی و قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۵ و اصلاحیه ۱۴۰۲ است. قانون اساسی آزادی تشکیل احزاب را به رسمیت می‌شناسد، اما این آزادی مشروط به رعایت اصول اسلام و مبانی جمهوری اسلامی است. به عبارت دیگر، آزادی حزبی در ایران از نوع مقید و محدودکننده است و نهادهای نظارتی مانند وزارت کشور، کمیسیون ماده ۱۰ احزاب و شورای نگهبان نقش تعیین‌کننده‌ای در کنترل فعالیت احزاب دارند. وزارت کشور مسئول ثبت و صدور مجوز است و نظارت اولیه بر اساس اساسنامه و اهداف احزاب انجام می‌دهد. کمیسیون ماده ۱۰ وظیفه بررسی صلاحیت احزاب، تعلیق یا لغو فعالیت آنان را بر عهده دارد و ترکیب عمدتا دولتی آن استقلال عملی احزاب را محدود می‌کند. شورای نگهبان نیز با نظارت استصوابی بر انتخابات، به‌صورت غیرمستقیم بر رقابت حزبی و حضور احزاب در صحنه سیاسی تأثیر می‌گذارد (روشنی، ۱۳۹۷؛ مظهری و قاسم‌آبادی، ۱۳۹۹). بدین ترتیب، سازوکارهای قانونی و نهادی ایران بیشتر کنترلی و محدودکننده است و آزادی حزبی در عمل تحت تأثیر ملاحظات ایدئولوژیک و امنیتی قرار دارد.

در مقابل، عراق پس از تصویب قانون اساسی ۲۰۰۵ و قانون احزاب سیاسی ۲۰۱۵، چارچوبی شفاف و قانونی برای فعالیت احزاب ایجاد کرده است. ماده ۳۶ قانون اساسی عراق به صراحت حق تشکیل و عضویت در احزاب را به رسمیت شناخته و محدودیت‌ها عمدتا در چارچوب قانون و امنیت ملی تعریف شده‌اند، بدون شرط ایدئولوژیک مشابه ایران (Constitution of Iraq, 2005؛ الجده، ۲۰۰۲). نهادهای نظارتی عراق شامل کمیسیون عالی مستقل انتخابات و دادگاه فدرال عالی هستند. کمیسیون انتخابات مستقل از قوه مجریه، ثبت و نظارت بر فعالیت احزاب را بر اساس شفافیت مالی، عدم تبعیض و رعایت قوانین انجام می‌دهد. دادگاه فدرال عالی نیز مرجع قضایی مستقل برای رسیدگی به شکایات و حل اختلافات حزبی است و تضمین می‌کند که احزاب بتوانند حقوق قانونی خود را پیگیری کنند (حنظل شریف، ۲۰۱۰). چارچوب نهادی عراق به احزاب اجازه می‌دهد که در رقابت سیاسی حضور داشته باشند و فعالیت قانونی و نسبتا آزاد خود را انجام دهند، هرچند فشارهای قومی و مذهبی و نفوذ گروه‌های سیاسی همچنان محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند.

مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که تفاوت‌های اساسی میان دو نظام در ماهیت آزادی حزبی، نقش نهادهای نظارتی و استقلال آن‌ها و شفافیت سازوکارهای قانونی است. در ایران، آزادی حزبی به شکل مقید، کنترل‌شده و عمدتا تابع ملاحظات امنیتی و ایدئولوژیک است، درحالی‌که در عراق آزادی حزبی در چارچوب نهادهای قانونی شفاف و مستقل تعریف شده و محدودیت‌ها بیشتر مبتنی بر نظم عمومی و قانون است. ایران از مدل «آزادی مقید تحت نظارت دولتی و ایدئولوژیک» پیروی می‌کند، درحالی‌که عراق به سمت «آزادی مشروط نهادینه‌شده و تحت نظارت مستقل» حرکت کرده است. از نظر نهادهای اجرایی و قضایی، نهادهای ایران عمدتا دولتی و تحت نفوذ

سیاسی هستند، اما نهادهای عراق با استقلال قانونی و شفافیت بیشتر، امکان فعالیت آزادانه احزاب را فراهم می‌کنند. در بعد عملی نیز، احزاب ایرانی در چارچوب رسمی فعالیت می‌کنند اما قدرت رقابت و تأثیرگذاری واقعی ندارند، درحالی‌که احزاب عراقی با وجود چالش‌های اجتماعی و سیاسی، زمینه بیشتری برای فعالیت مستقل و رقابت چندحزبی دارند. بنابراین، تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که ساختارهای قانونی و نهادی هر کشور، بر دامنه و کیفیت آزادی حزبی اثرگذارند و بدون استقلال نهادی، شفافیت قانونی و تضمین قضایی، آزادی سیاسی احزاب محدود خواهد بود. به این ترتیب، هرچند هر دو کشور سازوکارهایی برای حمایت از احزاب دارند، عراق چارچوب بازتر و شفاف‌تری فراهم کرده و ایران با وجود تأیید قانونی، آزادی حزبی را عمدتا کنترل و محدود می‌کند.

نتیجه‌گیری

تحلیل تطبیقی سازوکارهای قانونی و نهادی حمایت از آزادی سیاسی احزاب در ایران و عراق نشان می‌دهد که هر دو کشور با وجود تأیید رسمی این آزادی، مسیرها و محدودیت‌های متفاوتی را در قانون و نهادهای نظارتی پیش‌بینی کرده‌اند. در ایران، قانون اساسی و قوانین مربوط به احزاب آزادی حزبی را به رسمیت می‌شناسند، اما این آزادی به‌شدت مقید و مشروط به رعایت اصول اسلامی و امنیت ملی است. نهادهایی همچون وزارت کشور، کمیسیون ماده ۱۰ و شورای نگهبان با ترکیب دولتی و ایدئولوژیک، بر فعالیت احزاب نظارت دارند و استقلال عملی احزاب را محدود می‌کنند. بدین ترتیب، سازوکارهای قانونی و نهادی ایران، بیشتر جنبه کنترلی و محدودکننده دارند و احزاب رسمی معمولا در چارچوب تعریف‌شده فعالیت می‌کنند و توانایی رقابت آزاد و مستقل سیاسی آن‌ها محدود است. به عبارت دیگر، در ایران آزادی حزبی، گرچه از منظر حقوقی وجود دارد، اما در عمل تحت تأثیر ملاحظات سیاسی، امنیتی و ایدئولوژیک قرار گرفته و تحقق واقعی آن محدود است. در مقابل، عراق پس از تصویب قانون اساسی ۲۰۰۵ و قانون احزاب سیاسی ۲۰۱۵، چارچوب قانونی شفاف و مشخصی برای فعالیت احزاب ایجاد کرده است. محدودیت‌ها در عراق عمدتا مبتنی بر نظم عمومی، امنیت ملی و قوانین حقوقی است و شرط ایدئولوژیک مشابه ایران وجود ندارد. نهادهای نظارتی عراق، به‌ویژه کمیسیون عالی مستقل انتخابات و دادگاه فدرال عالی، از استقلال قابل‌توجهی برخوردارند و نظارت آن‌ها بر فعالیت احزاب شفاف، قانونی و کمتر تحت تأثیر ملاحظات سیاسی است. به این ترتیب، نظام نهادی عراق امکان فعالیت نسبتا آزاد و قانونی احزاب را فراهم می‌آورد، هرچند مشکلات عملی نظیر فشارهای قومی–مذهبی، نفوذ گروه‌های سیاسی و ضعف اجرایی برخی نهادها می‌تواند آزادی حزبی را محدود کند.

با مقایسه این دو نظام، می‌توان گفت که ایران در چارچوب «آزادی مقید و تحت کنترل» و عراق در چارچوب «آزادی مشروط نهادینه‌شده» عمل می‌کند. ایران بر نظارت ایدئولوژیک و امنیتی تأکید دارد و نهادهای دولتی و نیمه‌قضایی نقش تعیین‌کننده‌ای در محدود کردن فعالیت احزاب دارند، درحالی‌که عراق با نهادهای مستقل و شفاف، فرصت بیشتری برای فعالیت آزادانه، رقابت سیاسی و مشارکت حزبی فراهم کرده است. با این حال، در هر دو کشور، چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌تواند تحقق کامل آزادی حزبی را محدود کند. بنابراین، برای ارتقای واقعی آزادی سیاسی احزاب در هر دو کشور، لازم است ترکیبی از اقدامات قانونی، نهادی و فرهنگی انجام شود. در ایران، این اقدامات شامل بازنگری در ترکیب و اختیارات کمیسیون ماده ۱۰، ایجاد مرجع قضایی مستقل برای رسیدگی به اختلافات حزبی و شفاف‌سازی معیارهای نظارتی است. در عراق، تقویت استقلال نهادهای نظارتی، شفافیت تأمین مالی احزاب و کاهش نفوذ گروه‌های قومی و مذهبی ضروری است. در هر دو کشور، توسعه آموزش‌های مدنی، ارتقای فرهنگ مشارکت سیاسی و تقویت نقش جامعه مدنی می‌تواند زمینه‌ای برای تحقق آزادی حزبی واقعی فراهم آورد. به این ترتیب، آزادی سیاسی احزاب تنها در پرتو هم‌افزایی میان قانون، نهاد و فرهنگ سیاسی قابل تحقق است و بدون این هم‌افزایی، هرچند سازوکارهای قانونی و نهادی وجود داشته باشد، مردم‌سالاری و رقابت سیاسی واقعی محدود خواهد ماند.

ملاحظات اخلاقی: در فرایند نگارش مقاله، اصول امانت‌داری و ملاحظات اخلاقی نگارش رعایت شده است.

تعارض منافع: در مقاله حاضر هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نویسندگان مقاله به‌صورت مشترک و برابر در فرایند نگارش مشارکت داشتند.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون حمایت مالی انجام شده است.

منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

– اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ و بازنگری ۱۳۶۸.

– الجده، ر. ن. (۲۰۰۲). *قانون الأحزاب والجمعیات السیاسیة فی العراق*. بغداد: بیت الحکمه.

– حنظل شریف، میثم (۲۰۱۰). *التنظیم الدستوری والقانونی للأحزاب السیاسی*ة. أطروحة دکتوراه، جامعة بغداد.

– روشنی، ا. (۱۳۹۷). *حدود آزادی احزاب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: میزان.

– صنعتی‌مقدم، م.ر. (۱۴۰۱). *دولت و ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی*. مجله علوم سیاسی، ۹۶.

– عباسی، م.ر. و شفقی، م. (۱۴۰۲). «محدودیت آزادی اجتماعات با تأکید بر قانون جدید احزاب». مجله پژوهش‌های حقوق عمومی، (۵۲).

– قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، مصوب ۱۳۹۵/۸/۸ و اصلاحیه ۱۴۰۲.

– الکروی، ق. ع. (۲۰۱۶). *تشکیل الأحزاب السیاسیة فی العراق والحقوق المقارنة*. بغداد: دار نیبور للنشر.

– کریمی‌فیض، ر. و کمالی‌مشهود، ع. (۱۴۰۰). «نقش احزاب و گروه‌های سیاسی در ساختار امنیت کشور». *فصلنامه سیاست و جامعه*، (۷۳).

– محمد حسین، مریم (۲۰۱۴). *الأحزاب السیاسیة والهویة الوطنیة فی العراق بعد ۲۰۰۳*. جامعة النهرین، کلیة العلوم السیاسیة.

– مظهری، ح. و قاسم‌آبادی، ع. (۱۳۹۹). «نگرشی بر آزادی احزاب سیاسی و محدودیت‌های موجه بر آن از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». *مجله مطالعات تطبیقی حقوق*، (۱۲).

– ناهی، ا. ع. (۲۰۰۳). *التعددیه الحزبیة فی العالم العربی: الواقع والمستقبل*. أطروحة دکتوراه، جامعة بغداد.

ب. منابع انگلیسی

- Dahl, R. (1989). *Democracy and Its Critics*. Yale University Press.

- Duverger, M. (1972). *Political Parties: Their Organization and Activity in the Modern State*. London: Methuen.

- ICCPR. (1966). *International Covenant on Civil and Political Rights*. United Nations.

- Republic of Iraq (2005). *Constitution of the Republic of Iraq*. Iraqi official Gazette, No. 4012, December 28, 2005.